

ارتش رضاشاه

دانشگاه جنگ به ریاست سرلشگر عزیز الله خان ضرغامی (رئیس وقت ستاد ارتش) روز اول شهریور ۱۳۱۴ در تهران کار خود را آغاز کرد. امر آموزش در این دانشگاه به عهده یک هیأت فرانسوی به ریاست سپهبد ژاندار بود و افسران ارتش می توانستند به دانشگاه وارد شوند و دوره دو ساله آموزش های آن را بگذرانند. بسیاری از افسران ایرانی که در خارج از کشور تحصیل کرده بودند برای تدریس در دانشگاه جنگ به تهران احضار شدند. محمدرضا پهلوی (ولیعهد) و سایر پسران رضاشاه نیز هر کدام مدتی در این دانشگاه تحصیل کردند. تأسیس این دانشگاه نشان دهنده توجه و علاقه رضاشاه به ارتش بود، هر چند ارتشی که او ساخت به رغم توانایی در ایجاد امنیت در داخل کشور، توانایی مقابله با تهدیدات خارجی را نداشت و در جریان نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی دوم به سرعت از هم پاشید. گفته می شود رضاشاه روزی در یک رژه نظامی از ژاندار فرانسوی پرسیده بود: به نظر شما این ارتش در برابر تهاجم خارجی چقدر مقاومت خواهد کرد؟ و پاسخ شنیده بود: دو ساعت قربان!

• پیشینه / نیروهای نظامی ایران تا پیش از ظهور رضاخان عمدتاً از قزاقخانه و ژاندارمری تشکیل شده بود. بریگاد قزاق در عهد ناصرالدین شاه و در اثر رقابت روسیه و بریتانیا تأسیس شد. به نوشته دکتر باقر عاقلی: «وقتی انگلیسی ها در گرفتن امتیاز کشیدن خط تلگراف بین هند و اروپا از راه بغداد- تهران- بوشهر در ۱۸۶۴ و نیز امتیاز رویتر برای توسعه اقتصادی ایران پیشقدم شدند، روس ها نیز به نوبه خود از سفر دوم ناصرالدین شاه به روسیه در سال ۱۸۷۸ استفاده کرده و موافقت وی را با تأسیس یک بریگاد قزاق به سبک روسی در ایران جلب کردند.» («روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی» بخش ضمیمه)

براساس همین موافقت بود که پالکونیک دومانتوویچ در زمستان ۱۲۵۷ خورشیدی به همراه هزار قبضه تفنگ و دو عراده توپ به ایران آمد و «قزاقخانه شاهنشاهی» را تأسیس کرد. او که در آموزش نظامی واحدهای سواره نظام تخصص داشت یک نیروی سوار ۸۵۰ نفری به سبک سواره نظم روسی تشکیل داد. پس از دومانتوویچ، در سال ۱۲۶۰ پالکونیک چارکوفسکی به عنوان مستشار، مأمور اداره نیروی قزاق در ایران شد و در این نیرو در زمان او توسعه پیدا کرد و به عنوان «بریگاد قزاق» شهرت یافت. پس از چارکوفسکی نوبت به پالکونیک کاساکوفسکی رسید که او نیز در توسعه بریگاد قزاق کوشید. کاساکوفسکی به هنگام ترور ناصرالدین شاه قاجار توانست نظم پایتخت را تا رسیدن مظفرالدین میرزا (ولیعهد) به تهران حفظ کند و مورد توجه شاه جدید قرار گیرد. فرماندهی بریگاد قزاق در زمان محمدعلی شاه به عهده کلنل لیاخوف بود که در اقدام علیه مشروطه و به ویژه به توپ بستن مجلس نقش مهمی ایفا کرد. او پس از فتح تهران به دست مجاهدان مشروطه خواه برکنار شد و جای خود را به پرنس

وادیولسکی داد. پس از سقوط حکومت تزاری در روسیه کساکش بر سر فرماندهی قوای قزاق در ایران بالا گرفت و بریتانیایی ها کوشیدند این نیروی نظامی را تحت فرمان بگیرند. ناتوانی دولت ورشکسته ایران در تأمین مواجب نیروهای قزاق از مهمترین عوامل فراهم شدن شرایط کودتای ۱۲۹۹ بود. نیروی ژاندارمری نیز تا آن زمان بیشتر تحت فرماندهی مستشاران سوئدی اداره می شد و تأمین امنیت راه ها و گذرگاه های مرزی را بر عهده داشت. در جریان جنگ جهانی اول، نیروی ژاندارم ایران که به متحدین متمایل بود در مناطق مرکزی و جنوب با مأموران آلمانی (مانند واسموس) همکاری کرد و به همین دلیل پس از پایان جنگ و شکست متفقین وضعیت نامناسبی یافت.

• ارتش واحد / پس از کودتای ۱۲۹۹ و ظهور رضاخان سردار سپه، اهمیت نیروی نظامی و لزوم یکپارچگی آن مورد توجه قرار گرفت. سردار سپه، وزیر جنگ وقت در روز ۱۴ دی ۱۳۰۰ (کمی بیش از ده ماه پس از کودتا) قزاقخانه، ژاندارمری و سایر قوای مسلح را در یکدیگر ادغام کرد و ارتشی واحد پدید آورد. به دستور او درجات سابق نظامی (مانند امیرتومان، امیرپنجه، کلنل، ماژور و کاپیتان) لغو و به جای آن درجاتی چون امیرلشکر، سرتیپ، سرهنگ، یاور، سلطان و نایب متداول شد. در تشکیلات جدید ارتش ایران پنج لشکر، یک ارکان حرب و یک شورای قشون پیش بینی شد. سردار سپه شخصاً فرماندهی لشکر مرکز را به عهده گرفت و امیرلشکر احمد آقاخان (امیر احمدی) به فرماندهی لشکر غرب، امیرلشکر حسین آقا خزاعی به فرماندهی لشکر شرق، امیرلشکر اسماعیل خان (امیرفضلی) به فرماندهی لشکر آذربایجان و امیرلشکر محمود آقاخان (آیرام) به فرماندهی لشکر جنوب منصوب شدند. امیرلشکر عبدالحمید خان غفاری (سردار مقتدر) به ریاست شورای قشون و سرتیپ امان الله میرزا نیز به ریاست ارکان حزب تعیین شدند. تشکیلات جدید قوای مسلح که تحت نظر سردار سپه اداره می شد مهمترین عامل پیشرفت او بود. ارتش جدید توانست امنیت را در سراسر کشور تأمین و بسیاری از نافرمانی ها را سرکوب کند. رجال سیاسی و دولتمردانی که از هرج و مرج و ناآرامی های پس از جنگ جهانی به ستوه آمده و نگران از هم پاشیدن ایران بودند، اقدامات سردار سپه را ستایش و از او در مسیر پیشرفت سیاسی حمایت کردند. اهمیت ارتش، پس از انقراض قاجاریه و به سلطنت رسیدن رضاشاه نیز حفظ شد. رضاشاه در تمام سال های حکومتش روحیه نظامی گری داشت و ارتش را به عنوان مهمترین پایه اقتدار، می شناخت و حفظ می کرد. علاقه او به ارتش و امور نظامی به حدی بود که تمام پسرانش را به تحصیل در دانشگاه جنگ واداشت و مایل بود در آنها نیز روحیه نظامی گری به وجود آورد. گفته می شود او خانه اش را نیز چون یک پادگان اداره می کرد، همیشه لباس نظامی می پوشید و مانند دوران سربازی روی زمین می خوابید.